



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۴۸

جمعه ۲۵ فروردین ۱۳۹۱، ۱۳ آپریل ۲۰۱۲ www.m-hekmat.com

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.

منصور حکمت



جمعه ها منتشر میشود Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com سردبیر: بهروز مهربادی

سقف کوتاه "اعلامیه حقوق بشر"

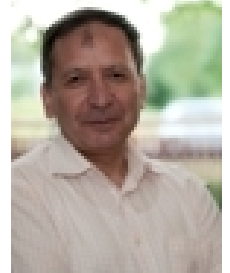
به دموکراسی محدود میشود، چنانچه هم به تعریف و تبیین حقوق مدنی و یا مضمون اعلامیه حقوق بشر ندارد، بلکه اساسا امریست سیاسی که مستقیما مربوط میشود به جایگاه گفتمان حقوق بشر در

به دموکراسی محدود میشود، چنانچه هم به تعریف و تبیین حقوق مدنی و یا مضمون اعلامیه حقوق بشر ندارد، بلکه اساسا امریست سیاسی که مستقیما مربوط میشود به جایگاه گفتمان حقوق بشر در

همانطور که تلقی این نیروها از آزادی

حمید تقوایی

آیات عظام در بن بست "سنگسار"



بهروز مهربادی

آیت اله ها در بن بست قرار گرفته اند. نیروی عظیمی که در سراسر دنیا در مقابل بیش از سه دهه اجرای فرمان های الهی بپا خاسته، آنها را متوحش ساخته است. استفتای خبرگزاری ایسنا از "مراجع معتبر تشیع" در مورد اجرای احکام سنگسار در روز سه شنبه ۲۷ فروردین فقط از روی کنجکاوی و یا برای افزایش درجه ایمان و آگاهی به مسائل فقهی گردانندگان این خبرگزاری نبود. ایسنا يك نگرانی و يك وحشت را با مراجع معظم در میان میگذارد، احکام "لایتنفیر" را دیگر نمی توان "الی الابد" تلقی کرد. مبارزه بزرگی که چندین سال است بر علیه احکام اعدام و سنگسار جریان داشته، در سالهای اخیر به اوج خود رسیده است. حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، چنان با واکنش تند مردم جهان رویرو شد که حکومت امام زمان را وادار به عقب نشینی کرد. کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و شخصیت هایی همچون مینا احدی جمهوری اسلامی را وادار به متوقف ساختن اجرای احکام

ادامه صفحه ۱۱

مذاکرات اتمی در استانبول: موسم سرکشیدن جام زهر!

شد. به حکم شرایط بین المللی، منطقه ای و اوضاع ایران و بنا به شواهد موجود، این مذاکرات حساسیت ویژه ای داشته و میتواند از نمونه های مشابه قبلی متفاوت

باشد. چنانکه این تصور و انتظار را بعضا بوجود آورده که احتمالا خامنه ای در حال مزمزه کردن "جام زهر" و کوتاه آمدن در برابر غرب است. مفسران ایرانی به مقامات

مذاکرات جمهوری اسلامی و گروه "پنج بعلاوه يك"، فردا شنبه ۲۶ فروردین در استانبول آغاز خواهد

مصطفی صابر

کنفرانس راستها در واشنگتن، یک سرشکستگی دیگر

شرکت کنندگان این کنفرانس را منتشر کند. این یکی دیگر از کنفرانسهایی بود که به اصطلاح قرار است آلترناتیو راست و بورژوازی و مطلوب غرب را شکل دهد. اما فضای این کنفرانس بخوبی نشان میداد که

کافم نیکخواه

برای نقد و افشای تجمعی که بنام "کنفرانس گذار به دموکراسی روزهای هفتم و هشتم ماه آوریل در واشنگتن برگزار شد، کافی است انسان اخبار و رویدادها و اسامی

اهمیت شرکت خانواده کارگران در اعتراضات و تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی

ادامه صفحه ۲

اصغر کریمی

سال جدید سال اعتراضات گسترده کارگری

چند تاکید مهم

شهلا دانشفر

کشیدند و تجمعات اعتراضی برپا کردند. اعتصابات و تجمعات چندین هزار کارگر در تهران و شهرهای مختلف در چندین کارخانه و مرکز کارگری، تجمعات مقابل فرمانداری ها و مراکز دولتی مختلف و جاده بستنها و پیکت کردنهای کارگران در کارخانجات مختلف این را تاکید میکند که سال جدید سال اعتراضات گسترده کارگری است.

بعلاوه خبر ها حاکی از فضای اعتراضی در میان بازنشستگان، پرستاران، و علیه بیکارسازی ها است. زمزمه از سر گیری اعتراضات در میان بازنشستگان بالاست و بازنشستگان در ادامه

ادامه صفحه ۸

بازتاب هفته

دادگاه ژنرالها: نمایشی در خدمت نیازهای طبقه حاکم ترکیه

محسن ابراهیمی

نشستن باطل در واشنگتن

یاشار سهندی

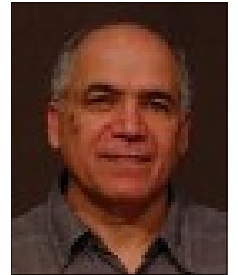
صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اهمیت شرکت خانواده کارگران در اعتراضات و تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی

صحبتی با فعالین و رهبران کارگری

از صفحه ۱



در سالهای اخیر اینجا و آنجا شاهد حضور خانواده های کارگران در اجتماعات کارگران اعتصابی بوده ایم. از جمله در هفت تپه، ماهشهر، در سنندج و در جریان تجمع کارگران شهاب خودرو تعدادی از اعضای خانواده های کارگران حضور داشتند. این یک قدم به پیش است اما کافی نیست. این مساله امروز به یک گرهگاه سیاسی مهم برای پیشبرد مبارزه کارگران تبدیل شده است.

کارفرماها و دولتشان از همه توان خود برای سرکوب ما، برای عقب راندن ما و کلاه گذاشتن سر ما استفاده میکنند. از امام جمعه ها تا حراست درون کارخانه ها، از اداره کار تا وزارت اطلاعات، از نیروی انتظامی تا دادگاه و قانون و زندان و صدا و سیما و روزنامه ها و غیره یکپارچه مشغولند تا جلو متشکل شدن کارگران، اعتصابات و اعتراضات آنها و احقاق حقوقشان را بگیرند. اما جبهه کارگران و مردم محروم تنها گوشه کوچکی از نیروی خود را به میدان آورده اند. این وضع باید عوض شود. این ما را به جانی نمیرساند. این نیرو برای مقابله با خیل اوباشان حکومت کافی نیست. قطعاً شرکت اعضای خانواده کارگران در اجتماعات اعتراضی با موانعی روبرو است. هزینه ایاب و ذهاب، نگهداری کودکان خردسال و گرفتاری های عدیده دیگر، بعضاً

مشکل مردسالاری و غیره از جمله موانع جلو روی آنها است. اما بنظر من مساله اساسی این است که کارگران اهمیت ظاهر شدن بعنوان یک نیروی مهم و تعیین کننده اجتماعی و سیاسی را هنوز جدی نگرفته اند. اگر اینرا جدی بگیرند، آنوقت درمورد تلاش برای شرکت گسترده و قدرتمند اعضای خانواده ها نیز طور دیگری برخورد میکنند و به آن اهمیت درخور خواهند داد. این کلید حضور خانواده ها در تجمعات و سایر فعالیت ها نیز هست.

این مساله از جهات مختلفی اهمیت دارد. بویژه امروز که تعرض همه جانبه علیه طبقه کارگر در جریان است، باید در دستور این طبقه و رهبرانش قرار گیرد. فاکتور سرکوب و ترس از دست دادن شغل فاکتوری واقعی و مهم است اما آیا راهی جز به میدان آمدن طبقه کارگر بعنوان یک نیروی سیاسی حتی برای حفظ شغل ها هست؟ راه غلبه بر عامل سرکوب نیز بسیج توده ای است. جمهوری اسلامی بشدت در مقابل اعتراضات توده های کارگر برای معیشت خود ناتوان است. طبق گزارش ایلنا، در سال جدید ۳۰ درصد کارگران دارای قرارداد موقت از کار اخراج شده اند. این یک رقم میلیونی است. طبقه کارگر باید در مقابل این تعرض وسیع به شیوه دیگری بایستد و اوضاع را به نفع خود عوض کند. یکی از کلیدی ترین و مهمترین فاکتورها برای تغییر این اوضاع و یک اهرم مهم قدرت کارگران خانواده های آنها هستند که باید وسیعاً به مبارزه بپیوندند. حتی اگر در ازای هر کارگر اعتصابی یک نفر از اعضای خانواده کارگران به

جمع آنها اضافه شود تجمع کارگران دو برابر میشود. ثانیاً، حضور زنان فوراً ابعادی به مراتب اجتماعی تر به حرکت میدهد، انعکاس حرکت اعتراضی را بسیار بیشتر میکند، مردم را بیشتر تحت تاثیر قرار میدهد، حتی رسانه های حکومت را بیشتر به انعکاس آن مجبور میکند، زمینه حرکات بزرگ اجتماعی را در شهر فراهم میکند و تاثیر یک حرکت اعتراضی را بارها افزایش میدهد. و بالاخره یک فاکتور مهم دیگر ارتقای اعتماد بنفس، آگاهی مبارزاتی، اتحاد و درک قدرت خود میباشد. زنان کارگر لازم است نه فقط در نقش شرکت کننده در تجمعات بلکه همچنین در نقش سخنگویان، سازمان دهندگان و مبلغان ظاهر شوند و شرکت در این تجمعات سرعت این قابلیت ها را در میان آنان افزایش میدهد. طبقه کارگر برای اینکه بعنوان یک نیروی سیاسی در جامعه ظاهر شود باید همه ظرفیت خود را به کار گیرد. در مقابل تعرض وسیعی که سرمایه داران و دولتشان در دستور دارند، اعتصابات و تجمعات پراکنده چند صد کارگر اعتصابی هرچند بسیار مهم اما کارساز نیست. باید در مقابل این تعرض دست به یک بسیج توده ای زد و شرکت خانواده ها عملی ترین و یکی از مهمترین اقدامات برای شکل دادن به این تعرض توده ای است.

شرایط کنونی حتی با شرایط چندماهه قبل تفاوت دارد. مراکز بزرگ کارگری زیادی با انبوهی از کارگران مشمول بیکارسازی و بلاتکلیفی شده اند و شروع به عکس العمل کرده اند. تجمعات هر روزه ای مقابل مجلس و وزارت کار و دفتر احمدی نژاد و سایر ارگان های رژیم برپا شده است و این یک شرایط تازه است. معلمان، بازنشستگان و دستفروشان نیز تجمعات متعددی در ماههای گذشته سازمان داده اند. بعلاوه خطر بیکاری بالای سر میلیونها نفر دیگر

قرار دارد و عکس العمل ها گسترده تر میشود. باید با تمام قوا به استقبال این شرایط رفت. باید این تجمعات را به کار هرروزه تبدیل کرد و در نتیجه، مراکز مختلف کارگری حتی اگر از قبل نتوانسته باشند اعتراضشان را هماهنگ کنند با تجمع هرروزه در مقابل این مراکز، خودبخود به هم میرسند. ثانیاً بعنوان اقدامی باید عاجل تلاش صدچندان کرد که اعضای خانواده ها در تجمعات شرکت کنند.

محلات کارگری و زحمتکش نشین نیز باید به یک مرکز مهم تحرک کارگران و خانواده های آنان تبدیل شود. اینجا نیز حضور فعال خانواده های کارگری حیاتی است و حتی کلید راه انداختن اعتراضات در سطح محلات است. در هر محله ای امروز هزاران جوان بیکار و هزاران کارگر بیکار شده هستند که با اعضای خانواده هایشان نیروی عظیمی را تشکیل میدهند. چنین مبارزه ای نه قابل سرکوب است نه میتوان جلو گسرشش را گرفت. باید بر همه موانع غلبه کرد و این نیرو را به میدان مبارزه کشاند. راه دیگری مقابل ما نیست. و مهم این است که امروز زمینه مساعدتری نسبت به گذشته شکل گرفته است که باید به استقبال آن رفت.

فاکتور مهم دیگری را نیز باید مورد تاکید قرار داد و آن رسانه های جمعی است. اگر کارگران قرار است بعنوان یک فورس اجتماعی به میدان بیایند نمیتوانند به مساله رسانه ها کم توجه باشند. رسانه های فارسی

زبان خارج و حتی رسانه های رژیم را میتوان وادار کرد که اخبار اعتراضات را منعکس کنند و با رهبران اعتراضات مصاحبه کنند. علیرغم بورژوازی بودن و ضد کارگر بودن اکثریت عظیم رسانه های جمعی، اینکار عملی است. هم باید از تجمعات عکس و فیلم گرفت و به همه جا ارسال کرد و هم رسانه ها را به اشکال مختلف تحت فشار گذاشت و وادارشان کرد که تسلیم خواست کارگران شوند. به هردرجه رسانه های بیشتری اعتراضات کارگران و حرف و خواست آنها را منعکس کنند، راه برای حرکات بزرگتر بیشتر باز میشود و اعتراضات ابعادی اجتماعی تر بخود میگیرد. این نیز لازمه تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی است.

لازمه همه اینها نگرشی اجتماعی تر به مبارزه است. میگفتند که رهبران کارگری در شرایط خفقان نمیتوانند علنی شوند. اینرا بخش اعظم گروههای چپ و حتی بخشی از فعالین کارگری میگفتند. اما دیدیم که چگونه با تغییر این نگرش و بدرجه ای که امروز طبقه کارگر دارای رهبران و فعالین شناخته شده میباشد، به همان درجه نیز بیشتر به عنوان یک نیرو در صحنه جامعه برسمیت شناخته میشود. موانع دیگر برای تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی در صحنه جامعه را نیز باید با قدرت از پیش پا برداشت. و این قبل از هرچیز دست رهبران کارگری و کارگران کمونیست را میبوسد.

آوریل ۲۰۱۲



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

در گرامیداشت اول مه، روز جهانی کارگر گردهمایی، سخنرانی، گفت و شنود در ونکوور ایران بعد از جمهوری اسلامی:

دو افق، دو آینده!

اول مه امسال و زمینه های عروج سیاسی طبقه کارگر در ایران و در جهان
بحران استراتژیک بورژوازی در ایران و جهان چشم انداز حکومت کارگری

سخنرانان: حمید تقوایی، مصطفی صابر



زمان: ساعت ۶ بعد از ظهر، شنبه ۲۸ آپریل ۲۰۱۲
مکان: روندهاوس (تقاطع دیوی و پاسیفیک) سالن "ب"

Roundhouse Community Centre – Room B
Vancouver
(Yaletown, at Davie & Pacific)

از شما دعوت میکنیم در این گرامیداشت اول مه که در ادامه سخنرانی و پرسش و پاسخ تا پاسی از شب ادامه خواهد یافت و فرصتی برای آشنایی با رهبری و سیاست های حزب ما است، همراه باشید.

تماس:
abbasmoady@yahoo.com

غذا و نوشیدنی در محل سرو میشود.

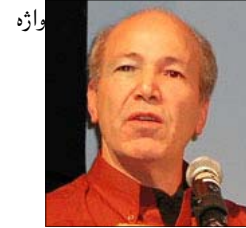
تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران- غرب کانادا

بخود بدهد، ناتوانی و حقارت
آنها را جلوی چشم قرار داده است
و شکست تازه ای را برای آنها رقم
زده است. فکر نمیکنم هیچکدام
از شرکت کنندگان، از شرکت
خویش در این کنفرانس کذایی
خشنود باشند. چندن تن از آنها
علنا پشیمانی خود را ابراز کرده
اند. شاید همان بهتر باشد که در
خلوت خویش به مدیحه گوئی
یکدیگر بپردازند و دست از بلند
پروازی و نقشه های غلط انداز
بردارند.*



فهمند یا وانمود میکنند که نمی
فهمند که در ایران اوضاع با همه
این کشورها متفاوت است و
جامعه چپ تر است، انقلاب و
کارگر جای برجسته ای دارد،
جنبش آزادی زن فعال و رادیکال
است، کمونیسم کارگری و حزبی
یک پای اصلی سیاست در ایران
است و مردم تجربه سی سال
جنگ و کشاکش با حکومت
اسلامی را دارند و به هیچ گوشه
ای از این حکومت رضایت
نمیدهند و نخواهند داد. جمهوری
منفور اسلامی کاری کرده است
که هرکس که یک روز هم با این
حکومت خوش و بش کرده است
جایی در سیاست ایران نخواهد
داشت، چه رسد به سرپاسدار و
بسیجی و نماینده سابق مجلس
اسلامی و وزیر سابق حکومت و
پادوهای ریزودرشت آنها. و همین
باعث میشود که این جماعت
راست به این وضعیت مفلوک و
بی افقی اسیر شوند که چند سال
است این در و آن در میزنند که
یک تشکل و تجمعی را شکل
دهند اما سرآخر با جنگ و دعوا
و بن بست باید راهشان را بکشند
و بروند. تابستان سال گذشته
همین سازگارا و نوری زاده و
جریان فدرالیست و قوم گرایانی
نظیر مهتدی و خالد عزیزی در
لندن جمع شدند تا افتضاحشان
در مورد جریان مشهور "سردار
نقدی" را ماستمالی کنند. و خود
کنفرانس لندن هم به افتضاح
دیگری برایشان تبدیل شد. چند
ماه پیش (فوریه امسال) در
استکهلم در کنفرانس مخفی و
کذایی اولاف پالمه جمع شدند و
فقط شکست و فضاحت نصیبشان
شد. اکنون هم در واشنگتن جمع
شدند و تنها چیزی که میتوانند
به آن افتخار کنند اینست که این
بار کنفرانس ما "مخفیانه" برگزار
نشد و پول بلیط و هتلیمان را
خودمان دادیم! بیچاره ها ناچارند
مدام نسبت به فشار بیرون عکس
العمل نشان دهند!

بطور واقعی هر بار تلاش و تقلای
اپوزیسیون راست ایران برای
اینکه خودی بنماید و تکانی



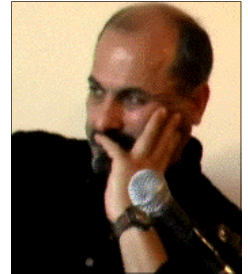
کنفرانس راستها در واشنگتن، یک سرشکستگی دیگر

چقدر کار در ایران برای جریانات
بورژوازی و راست و ضد انقلاب و
بویژه طرفدار جمهوری اسلامی
سخت شده است. بسیار مشکل
است که انسان آن حقارت و زبونی
که در فضای این کنفرانس موج
میزد را، با زبانی متین و
محترمانه انعکاس دهد. واقعا
اگر پوشش فعال رسانه های
فارسی زبان آمریکائی و غربی
نبود، این تجمع حدودا ۲۰ نفره
حتی اسمش هم جایی برده نمیشد
و کسی از آن به نام دهن پرکن
"کنفرانس" یاد نمیکرد. (بی بی
سی تعداد را پنجاه نفر گزارش
کرد). معلوم است که خود
جریانات راست هم آملیدی به این
نوع کنفرانس ها ندارند و به همین
دلیل و شاید از ترس آبروی خود،
از میان ۶۰ نفری که دعوت شده
بودند اکثریتشان شرکت نکردند.
اما خود همین که صدای آمریکا
و بی بی سی و رادیو فردا و
امثالهم که سیاست رسمی دول
آمریکا و غرب را دنبال میکنند،
چنین تجمعی را با آب و تاب و
بزرگنمایی مطرح مینمایند و به
آن دخیل می بندند، نیز خود
گویای وضعیت ناجوری است که
کل بورژوازی در آن گرفتار آمده
است و جداگانه باید به آن
پرداخت. این کنفرانسی بود که
جریانات راست و بعبارت دقیقتر
راستهای طرفدار جمهوری
اسلامی، یعنی راست ترین جناح
اپوزیسیون راست ابتکار آنرا در
دست داشتند. اسم خود را
جمهوریخواه و دموکراسی طلب و
سبز و سکولار و امثال اینها
میگذازند. در میان آنها کسانی
مثل محسن سازگارا، نوری زاده
و فاطمه حقیقت جو و علی
افشاری، نامهایی آشنا و گویای
اهداف و حال و هوای این
کنفرانس کذایی است. در این
کنفرانس بنا به گفته یکی از
شرکت کنندگان حتی بکاربردن

"براندازی" ممنوع بوده است. یا
حداقل کسی حق نداشته است که
کتبا این عبارت یا عباراتی شبیه
آنها در متون مربوط به این
کنفرانس بکار ببرد. سخنرانی ها
طبق معمول در چند مورد با
اعتراض برخی شرکت کنندگان
روبرو شد و جلسه به تشنج کشیده
شد. اینها فعلا تا حد "انتخابات
آزاد" در جمهوری اسلامی پیش
آمده اند! یکی از برگزار کنندگان
آن بنام آهی میگوید تجربه
انقلاب در ایران باعث میشود که
ما مخالف انقلاب باشیم و تنها
چیزی را که درست میدانیم
"انتخابات آزاد" است. اما برای
رسیدن به این هدف یک مشکل
"کوچک" دارند و آن اینکه یک
کسی باید حکومت اسلامی را
قانع کند که این انتخابات آزاد را
برگزار کند! و ثانیاً مردم از
انقلاب خسته نشده اند بلکه سال
۸۸ نشان دادند که بسیار
رادیکالتر از قبل دنبال انقلابند.
اینها سالهاست دور خود
میچرخند و تجربیات غیر انقلابی
و یا ضد انقلابی در کشورهای
مختلف را حلاجی میکنند تا
برای ایران الگو برداری کنند.
اروپای شرقی، آفریقای جنوبی،
آرژانتین بعد از سرهنگها،
اسپانیای بعد از فرانکو و حتما
برمه که این روزها دست به
مانورهایی در این زمینه زده،
دهانشان را آب می اندازد.
مساله شان هم اینست که در همه
این کشورها تحولاتی صورت
گرفته اما آلترناتیوهای بورژوازی
سرکار آمده اند یا سرکار مانده
اند. مردم و کارگران همچنان بی
حقوق باقی مانده اند. نظام
سرمایه داری دست نخورده باقی
مانده است. و این ها بیشترین
چیزی است که این جماعت و
اربابانشان دنبال میکنند. و نمی

بازتاب هفته

دادگاه ژنرالها: نمایشی در خدمت نیازهای طبقه حاکم ترکیه



محسن ابراهیمی

هفته گذشته اتفاقی در ترکیه توجه رسانه های جهان را به خود جلب کرد؛ محاکمه ژنرالهایی که کودتای خونین ۱۹۸۰ را رهبری کردند. در آن هنگام این ژنرالها اعلام کرده بودند به خاطر دموکراسی کودتا کرده اند. امروز هم به نام دموکراسی محاکمه میشوند. در این نوشته کوتاه، از نزدیک روی آن کودتا و این محاکمه و محتوای سیاسی این باصطلاح جدال دموکراسیها در یک فاصله سی ساله دقیق می‌شویم.

نیمه شب ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، تانکهای ارتش خیابانهای استانبول و آنکارا را قرق کردند. صبح همان روز، کنعان اورن، رئیس ستاد ارتش اعلام کرد که ارتش امور را بدست گرفت است تا "منافع ملت والای ترک" را حراست کند، "یکپارچگی وطن" را حفظ نماید، "حاکمیت ملی" را تثبیت کند، و "دموکراسی" را برقرار سازد. در پوشش این سخنان آشنای همه خونتاهای نظامی، بورش ارتش طبقه حاکم بر علیه کارگران و نیروهای پیشرو آغاز شد.

در فاصله کوتاهی، یک و نیم میلیون نفر در لیست سیاه تعقیب قرار گرفتند. نیم میلیون نفر فراری، ۶۵۰ هزار نفر بازداشت و ۲۳۰ هزار نفر محاکمه شدند. ۱۶ هزار نفر رسماً از حقوق شهروندی محروم گشتند. تعداد زیادی فیلم و کتاب توقیف شدند. برای ۴۰۰

کودتا بعد از پایان دهه هفتاد رخ داد. در اوج تقابل جنگ سرد بین غرب و شرق از نقطه نظر جهانی و در متن بحران حکومتی سرمایه داری ترکیه، کودتای ارتش در عین حال هم به نیاز جهانی ابر قدرت غرب پاسخ میداد و هم به نیاز سرمایه داری ترکیه برای ثبات سیاسی.

زمنه جهانی: در اوج تقابل جهانی دو ابر قدرت غرب و شرق، دکترین هری ترومن رئیس جمهور آمریکا برای جلوگیری از کشیده شدن کشورهای منطقه به حیطه نفوذ شوروی فرموله شده بود. "عملیات گلا دیو" اسم رمز عملیات غرب در این کشورها برای این منظور بود. شبکه های مخفی شبه نظامی متشکل از کسانی که توسط سازمان سیا آموزش ویژه داشتند، ابزارهای پیشبرد این هدف بودند. ترکیه یک متحد استراتژیک آمریکا برای جلوگیری از نفوذ شوروی بود و شعبه ترکیه ای این شبکه به نام "کواتر گریلا" پیشبرد این وظیفه در این کشور را به عهده داشتند.

گذاشته و به خدمات عمومی، بهداشت و درمان و آموزش وسیعاً حمله کرده بود. در حالیکه تورم رو به افزایش کم کارگران را خم کرده بود، دستمزد ناچیز کارگران کاهش یافته بود. میلیونها توده محروم ترکیه با بیکار بودند و یا با دستمزد ناچیزشان حتی نمیتوانستند شکم کودکانشان را سیر کنند. اما در مقابل این تعرض، کارگران با اعتصابات گسترده با حضور صدها هزار نفر با تظاهرات و اعتراضات عظیم مقاومت میکردند. طبقه کارگر با چنگ و دندان از حق خود دفاع میکرد. درست سه سال پیش از کودتا، تجمع نیم میلیون نفری اتحادیه دیسک، توسط گروههای فاشیست و زیر نگاه پلیس به رگبار بسته شد. به مدت بیست دقیقه جمعیت کارگران زیر رگبار قرار گرفتند. تعداد زیادی به طرز شدیدی زخمی شده و ۳۶ نفر جان باختند.

در چنین شرایطی بود که سیاستمداران طبقه حاکم به هر توطئه ای دست زدند تا شرایط را برای کودتای نظامیان فراهم کنند. جامعه را آنچنان ناامید



کردند تا ارتش به نام بازگرداندن امنیت به جامعه، اما در حقیقت برای تامین امنیت سرمایه دست به کار شود. یک کمپین گسترده ترور براه انداختند. جوخه های مرگ را سازمان دادند و به جان رهبران کارگری، میلیونها دلار برای ساختن مساجد و مدارس قران خرج شده بود تا لشکر ذخیره آماده برای مقابله با چپ و کمونیسم فراهم شود.) در متن چنین شرایطی و برای مقابله با ادامه صفحه ۵

زمینه داخلی: در همین دهه هفتاد، طبقه حاکم ترکیه در ادامه سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، اقدامات وسیعی علیه طبقه کارگر و معیشت توده های وسیع مردم در دستور

برقرار و حاکمیت ملی" تثبیت شد. جنایت سازمان یافته ارتش تحت نام "امنیت ملی و دموکراسی" در حقیقت قرار بود به چه نیازی پاسخ دهد و چگونه بورژوازی ترکیه زمینه سیاسی کودتا را آماده کرد؟

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

نشستن باطل در واشنگتن

یاشار سهدی

سرباز میزنند". بهرحال قرار بود ۶۰ نفر "دگر اندیش" با درجه تحمل بالا در واشنگتن حضور بهم رسانند و سرانجام بیشتر از ۲۰ نفر از مدعوین حاضر نشدند به کنفرانس بیابند و از "لزوم منسجم سازی کارهای سیاسی" بگویند و بشنوند. و معلوم شد که این ۲۰ نفر هم هر کس ساز خودش را میزند و هیچکس، آن دیگری را قبول ندارد. بهرحال تحمل دگر اندیشان کار ساده ای هم نیست!

بنابه گزارشات یکی گفته: "وظیفه اپوزیسیون چیزی جز آلترناتیو سازی نیست و نمی تواند باشد". دیگری بیان کرده: "جنبش سبز هدفش ایجاد موازنه مثبت بین نیروهای منتقد جمهوری اسلامی و نهایتاً بازگشت اصلاح طلبان به نظام برای حفظ انقلاب و نظام میباشد و هر گونه همکاری جنبش سبز و اصلاح طلبان با گروه‌های برانداز را منتفی و به ضرر آینده ایران" دانسته. یکی دیگر "ضمن بر شمردن مضرات انقلاب خواهان حفظ نظام کنونی جمهوری اسلامی با اندکی تغییرات و ایجاد انتخابات آزاد شده." و شخص دیگری بر "لزوم برقراری فدرالیسم و حقوق برابر ملیت های مختلف تاکید داشتند ... که همه این حرفها از سوی "متفکران" حاضر در جلسه مورد اعتراض بوده است. به همین دلیل آخر سر هم نفهمیدند که کنفرانس گذار را چگونه به پایان برسانند از لزوم سخنگو برای این جمعی گفتند که حتی نتوانستند دو کلام با هم صحبت شوند حال آلترناتیو سازی پیشکش شان.

نویسنده مذکور در سایت گویا و بسیار دیگر از کسانی مانند ایشان و مدعوین کنفرانس اعم از آنهایی که شرکت کردند و آنهایی که شرکت نکردند مدام گفتند "باید همدیگر را تحمل کنیم و با هم بنشینیم گفتگو کنیم و آنچه به صلاح همگان است بپذیریم. از منیت خویش دست

"به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم" من نمیدانم شیخ اجل سعدی علیه رحمه چه حالی داشته که این بیت را سروده. اما کنفرانس تحت عنوان "گذار به دموکراسی" در هفته گذشته در جرمی تاون واشنگتن برگزار شده که طیفی از اپوزیسیون از جنس سازگارا و نوریزاده دور هم جمع شدند تا عقل هایشان را روی هم بریزند و "آلترناتیوی" ساخته باشند. اما نتیجه آن بیستی از سعدی شده که نویسنده ای در سایت گویا آنرا نتیجه این کنفرانس دانسته است. ایشان (بیژن صفت سری) تاکید میکنند: "... الغرض بنا بر اظهارات برخی از برگزارکنندگان و ایضا شرکت کنندگان این کنفرانس که در گفتگو با نگارنده ابراز داشتند، بر آینه این کنفرانس دو روزه نیز همچون همه گرد همایی های اپوزیسیون خارج از کشورنه تنها حاصلی در اتحاد و همبستگی بین همین چند گروه شرکت کننده از بین گروه های بی شمار اپوزیسیون نداشته بلکه بر بی برنامه بودن این گروه ها و افراد مدعی نجات وطن، صحنه گذاشت."

این کنفرانس ادامه کنفرانسی بود که چند ماه پیش در استکهلم "پشت درهای بسته" برگزار گردید و کسی هم نفهمید نتیجه چه شد فقط در پی انتقادات زیاد که باید شفاف بود و قس علیهذا، نوریزاده و بقیه اطمینان دادند که اتفاقی نیفتاده! گفتند در کنفرانس واشنگتن جبران میشود و در آنجا درها باز است "اصحاب رسانه" حضور خواهند داشت و همه در جریان قرار خواهند گرفت و خیلی کسانی که به استکهلم دعوت نشدند، دعوت میشوند. هر چند گفته شد "آنان که دعوت نشدند از تحمل دگر اندیشان

بکشیم اصلا دموکراسی یعنی همین که همه حرفهایشان را بزنند مسلما در این میان راه مناسبی پیدا میشود که به صلاح وطن باشد" اما چرا این طیف آدمها یا جریانات سیاسی هر وقت دور هم جمع میشوند حالا چه پشت درهای بسته چه جلو چشم اصحاب رسانه به جای نمیرسند. حقیقت این است "وسع" ایشان همین است. هدف "کنشگران مدنی" که میخواهند راه گذر به دموکراسی را کشف کنند رسیدن به مقامی است که هم اکنون مقامات جمهوری اسلامی دارا هستند یعنی سازمان دادن بساط استعمار توده زحمتکش مردم ایران. همه طرحهای ایشان مانند "محاصره مدنی برای انتخابات آزاد" (پیشنهادی در کنفرانس برای گذر!) یک روز هم دوام نخواهد آورد چرا که سی سال تجربه به مردم ایران ثابت کرده است پشت این قلنبه گویی ها نقشه شومی ریخته شده است. حتی برای یک لحظه هم به خودشان اجازه نمی دهند که یک خواسته روشن و مشخص را مطرح کرده و بگویند، چون اساسا قرار نیست کاری برای آسایش مردم انجام دهند اما به خودشان وعده دادند با گذار به دموکراسی "بهشت سرمایه" را احیا کنند که این دیگر از محالات است، برای همین همه "طرحهای مدنی" ایشان به جای نمیرسد. مردم ایران بعد از سه دهه مبارزه بی امان با یکی از هارترین رژیمهای کنونی جهان اکنون با وجود سرکوب شدید و کشتار بی امان به دستاوردهای زیادی دست یافتند که جنبشهایی مانند علیه سنگسار یکی از نمونه های بارز آن است بطوری که همه آیت الله ها ماندند چگونه این "حکم الهی" را که موجب "وهن اسلام" شده است را تعطیل کنند. این نوشته مجال نمیدهد که بیشتر به این گونه جنبش ها بپردازیم اما بهرحال بن بست اپوزیسیون راست و مشخصا نشست باطل در واشنگتن از بی افقی ایشان در جامعه نشات میگیرد نه عدم تحمل دیگرانیشان. *

دادگاه ژنرالها:

نمایشی در خدمت نیازهای طبقه حاکم

از صفحه ۴

دهیم... زیر حکومت نظامی دیگر مشکلی برای تصمیم گیری وجود ندارد." و براسی اینچنین بود. تورگوت اوزال، رهبر حزب "آنا وطن" (که بخش بزرگی از مرتجعین اسلامی و راست ترکیه را زیر پوشش قرار داده بود) و رییس فدراسیون کارفرمایان صنعت فلز که به عنوان معاون نخست وزیر و وزیر مسئول اقتصاد و امور مالی انتصاب شده بود با صدای بلند خطاب به هم طبقه ابهایش اعلام کرد: "به هر قیمتی ثروتمند شوید."

۳۰ سال از آن کودتا گذشته است و امروز ژنرالهایی که به نام استقرار دموکراسی خون راه انداختند این بار به نام دموکراسی محاکمه میشوند. معنای سیاسی این تغییر چیست؟

جنگ سرد تمام شده است و مهره های جنگ سرد هم لاید سوخته اند. نه غرب و نه بورژوازی ترکیه عاشق چشم و اپروی کنعان اورن نبودند و نیستند. محاکمه سران قاتل یک کودتای خونین که سی سال پیش با سلام و صلوات توسط سرمایه داری ترکیه استقبال شدند امروز به نفع همان سرمایه داری در دوره ای دیگر است. اگر آن موقع قدر قدرتی آنها در خدمت انسجام طبقه حاکم بود امروز یک نمایش قضایی علیه آنها تلاشی برای منسجم کردن همان طبقه است. بورژوازی رهبران کودتای سی سال پیش خود را به دادگاه

میاورد تا هم نمایشی از عدالت قضایی راه بیاندازد و هم با محاکمه مرد قدرتمند دیروزش، حکومت امروزش را قدرتمندتر و منسجم تر کند. طبقه سرمایه دار برای حفظ منافع طبقاتی اش براحتی خادمین خود را قربانی میکند.

بورژوازی ترکیه آن موقع با کودتای ژنرال اورن و امروز با محاکمه اش به یک نیاز پاسخ میدهد: تامین ثبات سیاسی طبقه حاکم و بالاخره مهمتر از هر چیز تحمیل فقر و مشقت مورد نیاز بانک جهانی بر طبقه کارگر ترکیه، وظیفه ای که امروز بر عهده دولت رجب طیب اردوغان است. *

تورهای سازمانیافته توسط راست، گروههای چپ هم به مقابله به مثل دست زدند. از یک طرف ترورهای متقابل چپ و راست هر روز دهها نفر در خیابانها کشته بر جای میگذاشت؛ و از طرف دیگر، ابزارهای کلاسیک طبقه حاکم مثل کابینه و پارلمان به محل کشمکش احزاب مختلف بورژوازی برای خاتمه دادن به این اوضاع و تامین امنیت مورد نیاز سرمایه تبدیل شده بود و نمیتوانست نقش طبقاتی اش را با انسجام و متحدانه پیش ببرد. برای مثال، به مدت طولانی پارلمان قادر نبود یک رئیس جمهور انتخاب کند. بورژوازی ترکیه شیدا به ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی نیاز داشت و کودتای نظامیان تنها ابزار تامین آن بود.

و به این ترتیب همه شرایط آماده شد تا رئیس ستاد ارتش، کل این کمپین غیر رسمی علیه چپ و کارگر و کمونیسم را به نام نجات ملت و میهن و حفظ وحدت و یکپارچگی ملت در قالب یک کودتای خونین رسمیت دهد. ارتش قدرت را بدست گرفت تا هم ترکیه را در تقابل جنگ سردی مستقیما به پادوی طرف آمریکا تبدیل کند و هم در تقابل طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار ترکیه، طبقه کارگر را دست بسته در قربانگاه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دراز کند.

هنوز بدن قربانیان کودتا گرم بود که نشریه مالی *International Banking Review* با خونسردی تمام نوشت: "یک احساس امید در میان بانکداران جهانی بوجود آمده است که کودتای نظامی ترکیه ممکن است راه را برای ثبات سیاسی بزرگتر به مثابه شرط اساسی تجدید حیات اقتصادی ترکیه بوجود آورد." رحیم گوچ نماینده صنایع بزرگ ترکیه، معنای دموکراسی ای که با چکمه نظامیان مستقر شده بود، را به این شکل خلاصه کرد: "قبل از ۱۲ سپتامبر، ما مجبور بودم هر کاری را از طریق دموکراتیک انجام

سقف کوتاه "اعلامیه حقوق بشر"



از صفحه ۱

غربی و حتی از جانب نهادها و نیروهای "طرفدار حقوق بشر" کلا نادیده گرفته میشود. اعلامیه حقوق بشر نمیتواند پرچم مبارزه علیه این بیحقوقی‌ها باشد و عملاً نیست. مبارزه برای جدائی مذهب از دولت و علیه دست درازیهای مذهب به حقوق انسانها، در کشورهای اسلامزده و در کشورهای اروپائی، تماماً خارج از چهارچوب اعلامیه حقوق بشر و تبیین محدود این اعلامیه از حقوق انسانها قرار میگیرد.

در مورد مبارزه جهانی علیه اعدام نیز همین امر صادق است. امروز در نیمی از کشورهای دنیا اعدام امری قانونی است و در نظامهایی نظیر جمهوری اسلامی این جنایت دولتی یک ابزار مهم برای سرکوب آزادیها و نقض ابتدائی ترین حقوق شهروندان است. در شرایط امروز دنیا ادعای طرفداری از حقوق بشر بدون مخالفت با اعدام و مبارزه برای ممنوعیت آن را از جانب هیچ فرد و یا هیچ بیانییه و اعلامیه‌ای نمیتوان و نباید جدی گرفت.

اما گذشته از غایب بودن دو اصل مهم جدائی مذهب از دولت و ممنوعیت مجازات اعدام در اعلامیه حقوق بشر، در بسیاری از موارد آنجا هم که اعلامیه حقوقی را برسمیت شناخته از کلی گویی فراتر نرفته است.

یک مورد بارز این مساله حقوق زنان و برابری کامل زن و مرد است. در این اعلامیه تبعیض نسبت به زنان که در همه ابعاد حقوقی، اقتصادی و فرهنگی یک مساله مهم و مطرح در همه جوامع امروزی است بطور صریح و مشخص مطرح نشده است.

تنها عبارتی که میتوان از آن برابری زن و مرد را استنباط کرد اینست که "هرکس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، ...، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد". این

کلی گویی بهیچوجه کافی نیست. مساله اینست که در خود اعلامیه بجز نکاتی درباره حق مساوی زن و مرد در امور خانوادگی، حقوق زنان و ممنوعیت تبعیض نسبت به زنان اساساً مطرح نشده است و ازینرو اعلام "برخورداری از حقوق ذکر شده در اعلامیه"، وقتی بیحقوقی و تبعیضات ویژه تحمیل شده به زنان در اعلامیه مسکوت مانده است، ربط چندانی به امر آزادی زن پیدا نمیکند.

مساله زن یک مساله پایه‌ای و بسیار مهم عصر ما است و اعلام مستقیم و شفاف برابری کامل زن و مرد در همه ابعاد حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ابتدائی ترین انتظار از هر نوع سندی است که از حقوق بشر دم میزند. نمیتوان در مورد مساله میتلابه پنجاه درصد ساکنین کره ارض به کلی گویی بسنده کرد و مدعی دفاع از حق بشر بود.

تا آنجا که به حقوق زنان مربوط میشود یک نکته دیگر هم لازم به ذکر است. ماده اول اعلامیه به تمام افراد بشر توصیه میکند با روح برادری با یکدیگر رفتار کنند:

"ماده ۱- تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند"

و به این ترتیب از همان ماده اول "تمام افراد بشر" مرد قلمداد میشوند! این البته یک نکته حقوقی نیست، ظاهراً یک سهو نگارشی است و میتوان با این توجیه که در زمان تدوین اعلامیه - سال ۱۹۴۸- حساسیت امروز نسبت به دقت سیاسی در بیان مسائل و یا آنچه امروز نزاکت سیاسی - politically correctness -

خوانده میشود وجود نداشته است، از کنار آن گذشت. اما علت هر چه باشد اصطلاح "روح برادری" در پیشانی سندی که در بقیه بندهایش هم هیچ اشاره صریحی به برابری کامل زن و مرد نمیشود را بیشتر باید نشانه "روح مردانه" حاکم بر نویسندگان

بیانیه دانست تا یک لغزش قلمی و یا ادبی.

علاوه بر سکوت و یا کلی گویی در قبال مهمترین مسائل دوران ما، در بیانییه از برخی از حقوقی که فی الحال در تعدادی از کشورها مردم بدان دست یافته‌اند - مانند حق بهداشت و درمان رایگان- خبری نیست. بهداشت و درمان یک حق است و نه امتیاز و همه دولتها باید تامین بهداشت و درمان برای کلیه افراد جامعه را تضمین کنند. حق تحصیل رایگان نیز با عبارت "لااقل در سطح تعلیمات ابتدائی" محدود شده است در حالیکه در بسیاری از کشورها تحصیلات دانشگاهی رایگان نیز جزو حقوق مردم برسمیت شناخته شده است. این نوع حقوق که به رفاه مردم مربوط میشود اساساً شمره مبارزه نیروهای چپ و انقلابی و مبارزات کارگران در جوامع غربی بوده است. مبارزاتی که برای چند دهه الگویی دولت رفاه را به طبقه حاکمه در غرب و بخصوص در اروپا تحمیل کرده بود. امروز دولتها و بورژوازی جهانی برای حل بحران اقتصادی وخیم و مزمونی که گریبانشان را گرفته در حال پس گرفتن این نوع حقوق رفاهی هستند و دفاع از حق حیات در برابر این یورش بورژوازی به رفاه و معیشت مردم مبارزه ای است که در چارچوب تنگ اعلامیه حقوق بشر نمیگنجد.

حقوق تامین نشدنی این نکته آخر ما را به جنبه دوم نقدی که در بالا مطرح شد، یعنی ناکافی بودن اعلامیه حقوق بشر میرساند. درد و مشکل مردم در همه جوامع حتی آنجا که جنبه حقوقی پیدا میکند یک مساله صرفاً حقوقی نیست بلکه در مناسبات و واقعیات اقتصادی و اجتماعی ریشه دارد. حق مسافرت، حق استراحت و برخورداری از اوقات فراغت، و بالاخره حق حیات و حق برخورداری از یک زندگی آبرومندانه که در اعلامیه ذکر شده تنها در صورتی عملاً متحقق میشود که توده مردم توان و وسع استفاده از این حقوق را داشته باشند. کارگر

بیکار شده، جوانی که نمیتواند کار پیدا کند، و یا کسی که مجبور است روزی هشت ساعت کار کند و هنوز قادر به تامین معاش و یا حداقلی از رفاه برای خود و خانواده اش نیست، خود بخود و عملاً از حق استراحت و اوقات فراغت و مسافرت و غیره محروم است. حتی حق آزادی بیان بدون امکان دسترسی به رسانه‌ها - که در انحصار دولتها و یا سلاطین رسانه‌ای نظیر ربرت مردوخ است- معنای عملی چندانی ندارد. اعلامیه حقوق بشر - مانند بسیاری از دولتها - از برابری همه افراد در برابر قانون صحبت میکند. در حالیکه مساله بر سر برخورد برابر قانون به همه افراد است. این برخورد برابر بدون تضمین برابری اقتصادی و اجتماعی همه افراد جامعه امکانپذیر نیست.

امروز دفاع از حق زندگی و رفاه و مبارزه علیه تبعیض اقتصادی فاحشی که در همه جوامع وجود دارد، یک عرصه مهم و تعیین کننده بشری برای برخورداری از حقوق انسانی است. جنبش جهانی که علیه سلطه یک درصدیها برافزاده اساساً همین تبعیض فاحش و دره عمیق بین فقر و ثروت را مورد حمله قرار میدهد. این حرکتی است علیه بیحقوقی اکثریت عظیم مردم جهان در برابر سلطه یک درصد حاکم در همه کشورها؛ و جنبشی است برای حق دخالت مستقیم مردم در سیاست، علیه دولتهای مافوق مردم، و برای برخورداری از حق حیات و رفاه در مقابله با سرمایه داری بحرانزده و سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی آن.

ممکن است گفته شود بیانییه حقوق بشر یک سند حقوقی است و نمیتواند وارد مسائل اقتصادی بشود. اما مسائل اقتصادی مستقیماً به حق زندگی مردم مربوط میشوند. لازمه آنکه، آنطور که در ماده یک اعلامیه آمده است، "انسانها از لحاظ حیثیت و حقوق" برابر باشند اینست که از نظر موقعیت اقتصادی و اجتماعی برابر

ادامه صفحه ۷

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

سقف کوتاه "اعلامیه حقوق بشر"

از صفحه ۶

باشند. کودک يك خانواده کارگری از همان بدو تولد از هیچ نظر با کودکی که در يك خانواده سرمایه دار بدنیا آمده است برابر نیست و در سراسر زندگی خود از امکان و شانس بسیار کمتری از نظر امکانات رشد و تحصیل و تامین اقتصادی و بهره مندی از رفاه و یک زندگی انسانی برخوردار است. "تمام افراد بشر آزاد بدنیا می آیند" ولی آزاد زندگی نمیکنند. جامعه طبقاتی، و در عصر ما نظام بردگی مزدی، آزادی را حتی اگر در اسنادی نظیر اعلامیه حقوق بشر بروی کاغذ برسمیت شناخته باشد، عملاً و در زندگی واقعی از بخش عظیمی از جامعه سلب میکند؛ اکثریت عظیمی که مجبورست برای تامین معاش خود روزی هشت ساعت کار کند و با اینهمه از توان و امکانات مالی و اجتماعی استفاده از آزادیها و حقوقی که صاحبان سرمایه و ثروتمندان از آن برخوردارند محروم باشد. ماده ۴ اعلامیه از ممنوعیت بردگی صحبت میکند در حالیکه مساله امروز مردم جهان بردگی مزدی است. بشریت مدتهاست از نظام برده داری عبور کرده است. صاحبان برده جای

بشر، حتی در همان شکل محدودی که در اعلامیه جهانی تعریف شده، يك خصوصیت رژیمهای سرکوبگری مانند جمهوری اسلامی است. نقض این حقوق از جانب هر دولتی باشد باید وسیعاً و قویاً مورد اعتراض قرار بگیرد و بجالش کشیده شود. هر انتقادی به اعلامیه حقوق بشر و نقد کمبدها و نارسائیهای آن نباید ذره ای از تیزی و قاطعیت افشاگری و اعتراض به حکومتهای جنایتکاری که مفاد این اعلامیه را زیر پا میگذارند، بکاهد. اما نکته اساسی اینست که حتی برای پیشروی و موفقیت در همین مبارزه باید از اعلامیه حقوق بشر بسیار فراتر رفت. فراتر هم به معنی مبارزه ای ریشه ای تر و عمیق تر و هم جامع تر و گسترده تر. مشخصاً در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی بدون جدائی مذهب از دولت و قوانین سختی هم از حقوق بشر نمیتواند در میان باشد و ازینرو کسی که بخواهد مبارزه برای حقوق مردم را به اعلامیه حقوق بشر محدود کند نه تنها راه حل بلکه اساساً صورت مساله واقعی را درست ندیده است. ادعای نیروهای اپوزیسیون ملی مذهبی حکومت مبنی بر اینکه اسلام و قوانین شرعی تناقضی با

حقوق بشر ندارد اساساً به این خاطر ممکن شده که اعلامیه حقوق بشر در مورد ضرورت سکولاریسم و جدائی مذهب از دولت ساکت است. ملی - اسلامیها میتوانند خود را به حقوق بشر متعهد بدانند و در همانحال خواهان حکومت مذهبی نوع دیگری در ایران باشند. نقد و افشای این نیروها - که خود بخش مهمی از مبارزه در دفاع از حقوق مردم است- در چارچوب اعلامیه حقوق بشر ممکن نیست بلکه تنها با بلند کردن پرچم مبارزه برای سکولاریسم، علیه اعدام و سنگسار، علیه قصاص، علیه آپارتاید جنسی و غیره امکانپذیر است. مبارزه در این عرصه ها دقیقاً همانست که نیروهای اپوزیسیون راست مدعی دفاع از حقوق بشر همواره از آن احتراز کرده اند. در مبارزه علیه اعدام، علیه سنگسار، علیه حجاب اجباری، علیه آپارتاید جنسی، در مبارزه علیه پیشرویهای نیروهای اسلامی و قوانین شریعه در قلب اروپا، در دفاع از حقوق افغانستانیها در ایران، در مبارزه برای حقوق پناهندگان ایرانی در خارج کشور، و در عرصه های مشخص دیگر ازین قبیل، از نیروهای اپوزیسیون راست که خیلی مایلند خود را با حقوق بشر تداعی کنند

خبری نیست. اینان نه خود مبتکر چنین جدالهایی هستند و نه حتی وقتی چنین مبارزه ای مانند کمپین نجات سکینه و یا مانند مورد اخیر دفاع از پناهندگان در شهر ورتسبورگ آلمان، به همت کمونیستها براه میافتد و توجه جهانیان را بخود جلب میکند، تکانی بخود میدهند. ظاهراً برای نیروهای راست طرفداری از اعلامیه حقوق بشر این خاصیت را دارد که از مبارزه برای خواستها و مطالبات مشخصی که هر روز در جامعه ایران و در خارج ایران جریان دارد، طفره برونند و در مبارزه ما و نیروهای چپ برای حقوق زنان و محکومین به اعدام و زندانیان سیاسی و پناهندگان و غیره در بهترین حالت نقش تماشاچی را ایفا کنند. همانطور که در ابتدای مقاله اشاره شد برای این نیروها حقوق بشر نیز مانند دموکراسی اسم رمزی است که تعلق آنان به اردوگاه غرب را اعلام میکند و نه دفاعشان از حقوق مشخص مردم را. حقوق بشر پناهی، همانند دموکراسی پناهی این نیروها، ربطی به حقوق و آزادیهای مردم ندارد، بلکه تلاشی است برای راه یافتن به سناریو های آلترناتیو سازی دولتهای غربی.*


اطلاعیه کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در مورد حکم زندان خانم منصوره بهکیش

جمهوری جنایت اسلامی ۳۳ سال است که با تکیه بر قوانین پوسیده و متحجر شریعت و با تکیه به سیستمهای نظامی و امنیتی خود سعی در کنترل اعتراضات مردم به جان آمده از تعدی تجاوز و اعدام نموده است. در دوه کشتار و اعدامهای کور و خفقان جهنمی رژیم یعنی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ که خود معلول اعتراضات میلیونی مردم بر علیه رژیم به خصوص حق طلبی نسل جوان پنجاه و هفتی بود، با آمار محتاطانه ۱۵۰۰۰ از فرزندان انقلاب به خاک و خون کشیده شدند. این روند تا خیزش دوباره میلیونی ۱۳۸۸ با افت وخیز ادامه داشته ولی هرگز متوقف نشده است. حاکمیت جنایت

کار اما با تکیه به سیستم قضایی و نظامی امنیتی خود جهت کنترل اعتراضات با صدور احکام سنگین این پیام را در مقابل جامعه قرار میدهد که هزینه هر گونه حرکت اعتراضی میتواند بسیار سنگین باشد. جنایت پیشگان اسلامی ۳۳ سال است که تلاش کرده اند تا روایتی دروغین و ساختگی به غیر از آن واقعیتی که در پشت این جنایات خوابیده بر حافظه تاریخ و مردم تحمیل کنند. و اما خانوادههای قربا نیان جنایت جمهوری اسلامی روایتی دیگری را بیان می کنند. آنان می گویند که فرزندان نشان جنایتکار نبوده اند و آنان اکثراً بدون محاکمه و یا با محاکمات مجدد

فرمایشی چند دقیقه ای به چوبه های دار و اعدام سپرده شدند و یا در دستگیریهایی گروهی خیابانی در جا به قتل رسیدند. جمهوری اسلامی از اینکه حرکت حق طلبانه و به واقع انسانی این حاملان واقعی حقیقت به خروشی عظیم و برانداز تبدیل شود شدیداً در وحشت می باشد. منصوره بهکیش یکی از هزاران حاملان واقعی تاریخ کشتارهای جمهوری اسلامی است، که میتواند کاتالیزاتور حرکتی نویدبخش برای مردم و در عین حال دهشتناک برای رژیم باشد. منصوره با قلم و قدم، با حضور خود در گورستان خاوران که تعداد زیادی از قربانیان اعدامهای دهه شصت و به ویژه بخشی از قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در آنجا در گورهای فردی یا جمعی دفن شده اند و با حضور خود در پارک لاله و مراسم

بستگان قربانیان به پاسداری از حقیقت و انسانیت پرداخته است. بعد از اعتراضات خرداد سال ۸۸ و سرکوبها، کشتارها، دستگیریها و شکنجه دستگیر شده گان به دست رژیم، منصوره، به همراه عده ای دیگر از خانواده هایی که در طول این سالها عزیزی را از دست داده اند گروهی تشکیل داد به نام "حامیان مادران عزادار ایران". این گروه سه خواسته اصلی را پیگیری می کند: "آزادی همه زندانیان سیاسی، مجازات عاملان و آمران جنایاتهای ۳۳ سال گذشته رژیم و لغو حکم اعدام". منصوره به دلیل این فعالیتها و از پا نشستن ها مرتب مورد اذیت و آزار قرار گرفته است و اینبار شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی که در تاریخ ۴ دی ۱۳۹۰ منصوره را محاکمه کرده

 Campaign to Free Political Prisoners in Iran

بود، او را به اتهام "اجتماع و تبانی بر علیه امنیت ملی و تبلیغ بر علیه نظام" به چهار سال و نیم زندان محکوم کرده است. در واقع جرم منصوره عدم سکوت در مقابل کتمان حقیقت و بیان دروغین جمهوری اسلامی از کشتار هزاران انسان آزاده در تابستان ۱۳۶۷ بوده و می باشد. جمهوری اسلامی نتوانسته است که او را به سکوت بکشاند و در نتیجه چاره ای جز حذف فیزیکی او و امثال او نمی بیند.

ادامه صفحه ۸

سال جدید سال اعتراضات گسترده کارگری چند تاکید مهم



از صفحه ۱

در ایام تعطیلات نوروزی را فرصتی دیده و قرارداد کارگران قراردادی را تمدید نکرده اند و بنا بر خبرهای منتشر شده ۳۰ درصد از کارگران قراردادی در سال جدید به کار گرفته نشده و از کار بیکار شده اند و این خود زنجیره ای از اعتراضات کارگری را در پی خواهد داشت. گرانی سرسام آور و افزایش هر روزه قیمت ها نیز چاشنی فضای انفجاری در میان کارگران و کل جامعه شده و همه اینها زمینه های موج جدیدی از اعتراض و مبارزه در میان کارگران را فراهم کرده است که سرآغازش را در هفته گذشته شاهد بودیم. از جمله این اعتراضات می توان به تجمعات هر روزه کارگران در مقابل مجلس اسلامی و دفتر احمدی نژاد و تبدیل این مکان ها به محل اجتماعات چند صد نفره کارگری، اشاره کرد. کارگران شهاب خودرو هم در اعتراض به بیکارسازیها به همراه خانواده هایشان دست به اعتراض زده و سپس اعتراض خود را با تجمع در مقابل مجلس و دفتر احمدی نژاد ادامه دادند.

توجه به این مجموعه خبرها تصویر روشنی از حال و هوای جنبش اعتراضی کارگری در آغاز سال جدید و در آستانه روز جهانی کارگر بدست میدهد. فضایی از اعتراض و مبارزه که بر نکات زیر تاکید بیشتری میگذارد:

۱- اجتماعات کارگری محلی برای سازمانیابی اعتراضات کارگران

روزی نیست که در این و آن کارخانه، در این شهر و در آن شهر تجمع و اعتراض کارگران صورت نگیرد. هفته گذشته همانطور که بالاتر اشاره کردم از این جهت هفته پر جنب و جوشی بود. يك گام مهم در این اعتراضات به راه انداختن گفتن مجمع عمومی کارگری به عنوان ظرف اتحاد و سازمانیابی آنان است. در همین جمع شدن آنها است که باید به کارگران نشان داد که قدرت آنها در جمع بودنشان است و انجام این کار بصورت منظم و هفتگی يك راه ممکن و عملی

متحد ماندن و متشکل شدن آنان برای پیگیری خواستهها و مطالباتشان است. باید برای این کار تلاش عملی کرد و همانطور که کارگران بازنشسته اعلام داشته اند که هر هفته در مقابل تامین اجتماعی جمع شده و مجمع عمومی خود را تشکیل میدهند و خواستهها و اعتراضاتشان را پی میگیرند، در همه جا فعالین و رهبران کارگران با همین افق حرکت کرده و مبارزات کارگران را سازماندهی کنند. این شرط مهم کارگری است. باید تلاش کنیم که اجتماعات اعتراضی کارگران را به مجمع عمومی و محل تصمیم گیری آنان تبدیل کنیم.

۲- تجمع مقابل مجلس اسلامی و مراکز دولتی محلی برای همبستگی اعتراضات کارگری

جمع شدن مقابل مجلس و مراکز دولتی يك سنت رایج اعتراضات کارگری در ایران است. بدرجه ای که اعتراضات گسترده تر میشود، ما شاهد تجمعات جمع های وسیعتری از کارگران و بخش های مختلف جامعه در مقابل چنین مراکزی هستیم. تجمع در چنین مکانهایی زمینه مناسبی برای جلب همبستگی کارگری و بخش های دیگر جامعه را فراهم میکند. خصوصا تحولات امروز جهانی، تجربه ای چون والسرتیریت و تحصن کردن در مقابل مراکز قدرت يك درصدی های حاکم، افق روشنی به اعتراضات کارگری در ایران نیز داده است. از همین رو استفاده از چنین مراکزی برای تجمعات اعتراضی کارگری در شرایط پر جنب و جوش اعتراضی کنونی جایگاه و اهمیت ویژه تری پیدا میکند. در عین حال سرزدن به این مراکز، انعکاس اخبار تجمعات اعتراضی در آنجا و گرفتن عکس و فیلم جنبه دیگری از کار است که جوانان و دانشجویان نقش مهمی میتوانند در این زمینه داشته باشند.

۳- شرکت خانواده های کارگری يك فاکتور مهم در

اجتماعی شدن اعتراضات کارگری

شرکت خانواده های کارگری در اعتراضات کارگری، يك جنبه مهم قدرتیابی اعتراضات کارگران و کشاندن دامنه آن به سطح جامعه است. البته کارگران به تجربه اهمیت و جایگاه این امر را در مبارزات خود دریافته اند و شرکت خانواده های کارگری خوشبختانه هر روز جایگاه بیشتری در مبارزات کارگری پیدا کرده است. نمونه اش در همین هفته اخیر بود که ما شاهد شرکت تجمع کارگران شهاب خودرو به همراه خانواده هایشان بودیم. در اسفند ماه نیز کارگران اخراجی تولید منگنه ذوب آهن اصفهان به همراه خانواده هایشان در محل کارخانه چادر زدند و متحصن شدند و دیدیم که همکاران شاغلشان نیز از اعتراض آنان حمایت و پشتیبانی کردند. اما بطور واقعی هنوز در بخش عظیمی از اعتراضاتی که جریان دارد این نیرو با همه وزن خود وارد کارزار نشده است. تصور کنید هزاران کارگر معترض با نیروی خانواده های خود به چه نیروی عظیمی تبدیل خواهند شد که بدون شك تاثیرات خود را بر فضای سیاسی شهرها و کل جامعه خواهد گذاشت. باید خانواده ها، این نیروی عظیم اجتماعی را که خود شريك اعتراض و خواستههای مبارزاتی کارگرانند وسیعا و بطور سازمان یافته، به میدان آورد.

۴- اعتراضات کارگران بازنشسته، يك کانون مهم

برای تدارک اول مه مبارزات کارگران بازنشسته بخاطر سطح نازل دستمزدهایشان و تعویق مرتب همین چندرفاز حقوق و همانطور که اشاره کردم موضوع جنجالی انتساب سعید مرتضوی متهم ردیف اول کهریز به مدیریت تامین اجتماعی هم اکنون یکی از کانون های داغ اعتراضات است. در همین رابطه و در اواخر سال ۹۰ ما شاهد چند حرکت اعتراضی مهم دو سه هزار نفر از این کارگران بودیم که همچنان پیگیر خواستههایشان هستند. بدون شك وجود چنین فضای اعتراضی در میان هزاران کارگر بازنشسته تاثیرات خود را بر فضای اول مه امسال و فضای اعتراضات کارگری و کل جامعه میگذارد. از خواستههای اعتراضی کارگران بازنشسته باید وسیعا حمایت کرد.

واقعیت اینست که تامین اجتماعی يك موضوع قدیمی کشاکش در درون حکومت و مزدوران خانه کارگر و شوراهای اسلامی است. این دعوا بر سر ثروتهای کلانی است که از جیب کارگران به حساب این موسسه مالی میرود. همین اخیرا بود که ماجرای دزدی میلیاردي از این صندوق بر ملا شد. این دعوا اکنون با انتصاب مرتضوی به مدیریت تامین اجتماعی به جنگی جدی در ادامه صفحه ۹

اطلاعیه کمیته دفاع از زندانیان ...

از صفحه ۷ نشان دهیم که دیگر سرکوب و آزار انسانهای حق طلب و مبارزان راه آزادی و دموکراسی به سکوت منجر نخواهد شد، بلکه عزم راسخ میلیونها انسان دیگر را طوفنده تر از گذشته در جهت سرنگونی شما سازمان خواهد داد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ایران CFPPI
شنبه ۷ آوریل ۲۰۱۲

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران این حرکت وقیحانه رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم نموده و از تمامی انسانهای آزاده و حقیقت طلب دعوت بعمل می‌آورد که به هر طریق ممکن به این حکم وقیحانه اعتراض نمایند. دوران سکوت گورستانی دیر وقتی است به پایان آماده است. با فریاد اعتراض خود به جانین رژیم

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید
سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی
بدل میشود!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

چند خبر از کارگران زندانی و فشار بر فعالین کارگری

بازداشت مجدد

علی نجاتی



روز ۱۹ فروردین علی نجاتی از فعالین سرشناس کارگری و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه دوباره راهی زندان شد. این درحالیست که وی از بیماری حاد قلبی رنج میبرد و اخیراً زیر عمل جراحی قلب قرار گرفته و باید تحت نظر پزشک معالج خود باشد. پزشک او اعلام کرده که وی باید از تاریخ ۱۵ تا ۲۵ فروردین در استراحت کامل باشد. این عمل جنایتکارانه رژیم اسلامی باید شدیداً محکوم شود. جمهوری اسلامی در قبال جان علی نجاتی و همه زندانیان سیاسی مسول است. علی نجاتی بخاطر مبارزات با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۵ برای دستمزدهای معوقه خود و تلاششان برای ایجاد تشکل خود سندیکای نیشکر هفت تپه در زندان است.

رشید ش آزاد میشود

ایلنا روز ۲۱ فروردین خبر داد که رشید ش، کارگر اخراجی نساجی مازندران که در مراسمی به سوی احمدی نژاد کفش پرتاب کرده بود، و از ۲۱ آذرماه سال ۹۰ تاکنون در زندان بسر می برد، با قرار وثیقه آزاد می شود.

موضوع بازداشت او از این قرار بود که در پی سفر احمدی نژاد به شمال جهت سخنرانی در مراسمی که برای علی کردان وزیر سابق کشور

برگزار شده بود، جمعی از کارگران نساجی مازندران خود را به آنجا رسانده و این مراسم را به محل اعتراض خود تبدیل کردند. در جریان این حرکت اعتراضی یکی از کارگران اخراجی به نام رشید خود را به صندلی های ردیف مقابل احمدی نژاد رسانده و با پرتاب کفش فریاد اعتراض را نسبت به مشکلات کارگران و وضعیت بیکاری او اعلام کرده بود. نیروهای انتظامی نیز همانجا وی را پس از ضرب و شتم دستگیر و راهی زندان کردند. اعتراض رشید و خشم او، خشم جمعیت میلیونی کارگرانی است که ماهها دستمزد نگرفته اند. اعتراض او صدای اعتراض هزاران کارگریست که با معضل بیکارسازیها روبرو هستند و هیچ تاملی ندارند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۴ فروردین ۱۳۹۱، ۱۲ آپریل
۲۰۱۲

فشار جمهوری اسلامی به

پدرام نصراللهی برای

استعفا از عضویت در کمیته

هماهنگی برای کمک به

ایجاد تشکلهای کارگری



بنا بر گزارش منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز ۲۱ فروردین پدرام نصراللهی (نه به ز) فعال کارگری و عضو این کمیته طی تماسی تلفنی با خانواده اش اظهار داشته که او را

بخاطر عضویتش در این تشکل کارگری زیر فشار قرار داده و از او خواسته شده است که از عضویت از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری استعفا دهد. جمهوری اسلامی با دستگیری و فشار بر روی فعالین کارگری متشکل در تشکلهایی که به همت خود این کارگران تشکیل شده است، تلاش دارد که کل این تشکلهای را که دستاوردهای مبارزات کارگران است زیر حمله قرار دهد. کارگران ایجاد تشکل کارگری را امر خود و حق مسلمشان میدانند.



shahla_daneshfar@yahoo.com

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com

0044-7852 338334

http://free-them-now.blogspot.com/p/

شهرلا دانشفر

بهرام سروش

از صفحه ۸

سال جدید سال اعتراضات گسترده کارگری ...

میکند. با همه خواستهها و اعتراضاتمان در تمام کارخانجات در تمام شهرها و در تمام محلات و دانشگاهها و همه جا به تدارک این روز برویم. در اول مه علیه جانیان اسلامی وسیعاً به خیابانها بیاییم و علیه گرانی، علیه فقر، علیه تبعیض و نابرابری و علیه دستمزدهای زیر خط فقر و جهنمی که جمهوری اسلامی برای ما کارگران و ما مردم برپا کرده است به اعتراض برخیزیم. اول مه روز جشن قدرتمایی ما کارگران در پیشاپیش صف اعتراض مردم و در مقابل میلیاردهای يك درصدی حاکم است، با شعار نویسی و با نصب پلاکاردها و بنرهایمان از سوی کارگران کارخانجات مختلف و معلمان و بخش های مختلف جامعه، همه جا را به رنگ این روز در بیاوریم. اول مه با خواست يك زندگی پر از رفاه و شایسته انسان به اعتراض برخیزیم.

زمان زیادی به اول مه، روز جهانی کارگر، مصادف با ۱۲ اردیبهشت، نمانده است، با تمام قدرت به استقبالش برویم. همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم اول مه امسال ویژه است. جهان به استقبالش رفته و جنبش اشغال در آمریکا با شعار خیابانها در اشغال ما ۹۹ درصدی ها، فراخوانی جهانی داده است. ما بخش مهمی از این جنبشیم، وسیعاً به استقبال این روز بزرگ اعتراضی برویم و به این فراخوان جهانی پیوندیم. اول مه روز اعتراض علیه توحش سرمایه داری و همه مصایب آن و بهترین فرصت است که مبارزات کارگران شهاب خودرو، صنایع فلزی، ایران خودرو، کارگران دستفروش در میدان گاز سنندج، کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و همه بخش های مختلف مردم را به هم وصل

درون حکومت و اعتراضی وسیع در میان کارگران تبدیل شده است. از یکسو بحث بر سر استیضاح وزیر کار است و از سوی دیگر صف بندی هایشان به درون شوره های اسلامی و خانه کارگران کشیده شده است.

قابل تصور است که امسال در آستانه اول مه، مزدوران خانه کارگر و شوره های اسلامی تحت عنوان یازده اردیبهشت و هفته کارگر، دوباره داستان همیشگی خود را به راه بیندازند و دعوا بر سر تاملین اجتماعی نیز چاشنی این کار باشد. بدین ترتیب و همانند هر ساله تلاش کنند تا روز جهانی کارگر را مخدوش کرده و اتصال این روز در ایران را از اول مه روز جهانی کارگر که امسال مصادف با ۱۲ اردیبهشت است، کمرنگ کنند. و همچنین با به راه انداختن تظاهرات دولتی کنترل شده، در مقابل حریف خود قشون کشی ای به راه انداخته و سهم خواهی بیشتری کنند. باید متوجه دسیسه های مزدوران خانه کارگر و شورای اسلامی بود و با اشغال خیابانها در اول مه، آنها را از سر راه مبارزه خود کنار زد. اول مه خیابانها از آن ما کارگران است.

۵- فضای اعتراضی کارگری، بستر مناسبی برای تدارک اول مه روز جهانی کارگر

تلفن تماس با حزب از ایران

شهرلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

کمک مالی به کانال جدید

حوزه ماهیانه حوزه انترناسیونال، بهمین و اسفند،

۱۲۰۰۰۰۰ تومان (یک میلیون و دویست هزار تومان)

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

مذاکرات اتمی در استانبول: موسم سرکشیدن جام زهر؟!



از صفحه ۱

سرخستی نکنند. مفسران غربی از این میگویند که چگونه اسرائیل فعلا فتیله حمله نظامی را پایین کشیده و غرب حاضر است شعار رژیم اسلامی مبنی بر "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" را، کاملاً بپذیرد. مشروط بر اینکه جمهوری اسلامی غنی سازی ۲۰ درصدی را متوقف ساخته و در مورد فعالیت های هسته ای اش "شفاف سازی" کند. حتی مقامات روسی هم به جمهوری اسلامی یادآور میشوند که اشتباهات صدام را مرتکب نشوند و خطر را جدی بگیرند.

این انتظارات را رفتارهای خود جمهوری اسلامی بنوعی تایید و تشدید میکنند. از جمله عقب نشینی رژیم از رجزخوانی علیه اردوغان و خواست مضحک تغییر محل کنفرانس از استانبول به دمشق و بغداد و یا تلاشهای خامنه ای برای حفظ وحدت درونی در آستانه این مذاکرات (از جمله گرفتن عکس وحدت با رفسنجانی و احمدی نژاد در جریان دیدار با اعضای "مجمع تشخیص مصلحت"، یا دخالت برای تغییر

یکشنبه رای منفی کمیسیون بودجه مجلس در قبال بودجه احمدی نژاد) نشان میدهد که این مذاکرات برای جمهوری اسلامی اهمیت ویژه ای دارد. آشکار است که تحریم های اقتصادی و بویژه بیرون انداختن بانک مرکزی ایران از سیستم بانکی و بیمه جهانی و همینطور تحریم خرید نفت جمهوری اسلامی را تحت

فشار زیادی قرار داده است. اینکه احمدی نژاد میگوید "آنقدر ذخیره ارزی داریم که تا سه سال هم نفت نفروشیم کشور بخوبی اداره میشود"، بیش از آنکه نشان از موقعیت اقتصادی محکم رژیم باشد، حاکی از اوضاع وخیم آن و میزان فزاینده فشارها بر رژیم است. بویژه آنچه که برای رژیم اسلامی بسیار ترسناک و مخاطره آمیز است به خیابان آمدن کارگران و مردم علیه گرانی و بیکار و فلاکت بی حد و حصر فعلی است. امری که شواهد آن در اعتراضات گسترده کارگری و در مواردی نظیر بالا بردن پلاکاردها "ما جوانان بیکاریم" توسط یک دختر جوان در سخنرانی احمدی نژاد در بندر عباس عیان است. به خیابان آمدنی که اینبار به مراتب فراتر از انقلاب ۸۸ خواهد رفت.

اما آیا با همه این اوصاف خامنه ای واقعا آماده سرکشیدن جام زهر نیست؟ بنظر خامنه ای همیشه آماده بوده است. مشکل او اما همواره این بوده و هست که بعد از سرکشیدن جام و حرکت بسوی نرمال کردن رابطه با غرب، آیا جمهوری اسلامی میتواند پا برجا بماند یا نه. او همیشه جام کذایی را مزمره کرده و هر بار به این نتیجه رسیده که فعلا وقت سرکشیدن نیست و برعکس شانس بقایش در حفظ حالت تخاصمی با غرب و کوبیدن پر غرب ستیزی و آمریکا ستیزی مشخصه اسلام سیاسی است. آیا اینبار چیزی عوض شده که خامنه ای به نتیجه متفاوتی برسد؟

آنچه که در معادله قدیمی دعوی غرب و جمهوری اسلامی (که محمل و شاخص آن "مساله هسته ای" است) بطور واقعی فرق کرده، کل تحولات جهانی و منطقه ای دو سه سال اخیر است که کلید شروع آنرا اتفاقا انقلاب ۸۸ (۲۰۰۹) ایران زد. تحولاتی که پایه مادی

این تا چه حد يك توهم است، بماند. اما از آنسوی جمهوری اسلامی بشکل فعلی بعنوان "عامل بی ثبات کردن منطقه" و بسیار مهمتر بعنوان عامل اصلی بقای خطر يك انقلاب دیگر در ایران برای بورژوازی جهانی مخاطره آمیز و غیر قابل قبول است. تحریم های شدید اقتصادی و سیاسی و حتی تهدیدات نظامی و "روی میز بودن همه گزینه ها" توسط غرب اساسا همین سیاست را دنبال میکند و این بسیار جدی است. این آن وضعیتی است که خامنه ای را مقابل يك تصمیم سرنوشت ساز قرار میدهد.

اما خامنه ای بخوبی میداند که سیاست غرب متکی بر يك توهم است. بخوبی میداند که سرکشیدن جام زهر همان و رفتن به موزه جنایات تاریخ همان. زیرا که دقیقا همان انقلابی که غرب از آن میترسد با کوتاه آمدن جمهوری اسلامی در مقابل غرب فضای بیشتری بر عرض اندام پیدا خواهد کرد و در جایی که غرب فکر میکند متوقف نخواهد شد. همانطور که قبلا هم گفته ایم دوستی با غرب برای جمهوری اسلامی حکم "بوسه مرگ" دارد. تمام تحولات طوفانی سه سال اخیر هم مرگ آور بودن این بوسه را تخفیف نداده بلکه بمراتب آنرا تشدید کرده است. جمهوری اسلامی که هر گوشه آن يك ساز میزند، بشدت مورد نفرت مردم است، صرفا به زور سرنیزه اسلام و تازه آنهم به زحمت خود را آن بالا

آن يك بحران اقتصادی عمیق جهانی است که هنوز ادامه دارد و همچون گردبادی هرآن ممکن است دوباره اوج بگیرد و کل جهان سرمایه داری را درهم بپیچد. تحولاتی که در قدم اول به سال طوفانی ۲۰۱۱ و انقلابات در خاورمیانه و آفریقا و جنبش ضد کاپیتالیستی ۹۹ درصدی ها در غرب منجر شده و تعادل قوای سیاسی را در جهان و بویژه در منطقه خاورمیانه تغییر داده است. يك بازنده بزرگ این تحولات اسلام سیاسی نوع جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله بوده است. غرب میخواهد بر این متن جمهوری اسلامی را به يك نقطه سازش جدید بکشاند و اسلام سیاسی را رام کند و در چهارچوبه سیاستهای خود مستحیل کند. این تحول برای غرب و کل بورژوازی جهانی از نقطه نظر یافتن الگوهای حکومتی قابل دوام در خاورمیانه بعد از سال طوفانی ۲۰۱۱ فوق العاده مهم است. چرا که همه کس میداند نه انقلاب در مصر و تونس کاملاً تمام شده، نه الگوی حکومتی پایداری در این کشورها برقرار است و نه خطر گسترش انقلابات و جنبش های انقلابی در منطقه و سایر نقاط جهان و حتی خود غرب فروکش کرده است. در يك کلام خاورمیانه و مشخصا ایران نقطه شروع يك وضعیت جدید در جهان بود و بورژوازی جهانی برای مهار و کنترل این وضعیت جدید نیاز دارد که بویژه اوضاع با ثبات و قابل دوامی در ایران ایجاد کند. غرب فعلا ایجاد این اوضاع باثبات را استحاله جمهوری اسلامی و هرس کردن چنگ و دندان ضدغربی و ضد آمریکایی آن میداند. نزدیک شدن جمهوری اسلامی به الگویی نظیر اسلام ترکیه ظاهرا آن چیزی است که فعلا در ته ذهن بورژوازی غرب عمل میکند. اینکه خود

نگاه داشته است به مجرد آنکه کمترین مصالحه و سازشی با غرب کند، بمرجد آنکه ذره ای از اسلام اش کوتاه بیاید، اولاً از درون خواهد پاشید و ثانياً مردم هم يك لحظه در استفاده از فرصت و پاك کردن كل این بساط خون و كشتافت و اسلام تردید نخواهند کرد. لذا خامنه ای کوتاه نخواهد آمد چرا که از نظر او این يك خودکشی سیاسی است. او به بازی سی ساله ادامه خواهد داد و حداکثر تلاش خواهد کرد پرده ها و دیالوگهای جدیدی به این نمایش اضافه کند. مثلاً چه بسی جام زهر را در دست بگیرد و حتی آنرا جهت استفاده تبلیغاتی جلوی دوربین ها مزمره هم بکند. اما نهایتاً سر نخواهد کشید.

دعوی غرب و جمهوری اسلامی متاسفانه ادامه خواهد داشت و قربانیان این وضع کارگران و زنان و جوانان ایران هستند و سرانجام همانا این مردم ایران هستند که باید به این داستان وحشت فلاکت و عقبگرد و جهل که بيبك معنی داستان زندگی جمهوری اسلامی بوده است پایان دهند. دقیقا همان چیزی که غرب و جمهوری اسلامی هر دو از آن وحشت دارند و هريك به شيوه خود در تلاش برای مهار آن هستند، جواب واقعی اوضاع ایران است. یعنی انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت بلافضل و مستقیم شهروندان و ساختن يك جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی.

(۱۲ آپریل ۲۰۱۲)

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب یا این متن ها با ایمیل ها تماس بگیرید

فرانسه و کانادا :
 بانک برزی (کانادا - آمریکا) :
 ۰۱-۶۱۶ ۷۵۳ ۳۳۶
 ۰۱-۶۱۶ ۷۷۱ ۷۱۸
 ایتال :
 babakyazdi@yahoo.com
 رزی اصلی (غرب کانادا - ونکوور) :
 ۰۱-۶۰۴ ۷۷۷ ۸۹۶
 ایتال :
 zariast@yahoo.ca
 فر اروپا یا
 انتشارات نسیم :
 ۰۰۴-۰۱۷۳ ۳۹۱۷۰
 ایتال :
 nasim_info@yahoo.com
 جیل جلیلی (انگلستان) :
 ۰۰۴-۰۱۷۳ ۵۰۹۲۴۲۲
 ایتال :
 jallili@yahoo.com
 مهن کوشا (آلمان) :
 ۰۰۴-۰۱۷۳ ۲۵۷۰۵۹۹
 ایتال :
 mahinkusha@t-online.de

کارل مارکس

سرمایه
(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

زنده باد سوسیالیسم!

آیات عظام

در بن بست "سنگسار"

از صفحه ۱

سنگسار ساختند. سکینه یک شهروند جهان شد و روسای دولت ها، وزیران، شهرداران و بسیاری از مقامات - و در بسیاری مواقع بخاطر جلب آرای مردم - خواستار آزادی سکینه شدند. مردم دنیا اعتراض خود را به توحش اسلامی اعلام کردند. "وهن احکام شرعی" عبارت مودبانه ای است که ایسنا ناچار است برای توصیف میزان انزجار افکار عمومی جهان از احکام اسلامی بکار ببرد.

به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ایران، سنگسار، یکی از شنیع ترین جنایتبار ترین پدیده های عصر حجری را از پستو ها و حجره های کپک زده بیرون کشید، آن را متداول ساخت و به شیوخ، روسای قبایل و سرکردگان باندهای مافیائی در بسیاری از کشورهای اسلام زده امکان و جرئت ابراز وجود و برقراری احکام اسلامی را داد. اگر مجازات اعدام قتل عمد دولتی با هدف ارعاب و انتقام جویی و تبلور بی ارزشی انسان در مقابل اراده طبقات حاکم بر جامعه بشمار می رود، مجازات سنگسار علاوه بر آن، نهایت کینه الهی به انسان و خواسته های زمینی او را به نمایش می گذارد.

این خشم بیش از هر چیز متوجه زنان است که در نظام الهی چیزی بیش از یک شیء قابل تمکک، به حساب نمی آیند. آنجا که این شیء بخواهد بر خلاف قوانین بی چون و چرای مالکیت بر تن و وجود خود اراده ای داشته باشد، با شدیدترین مجازات ها روبرو می شود. "شیء متهم را باید چنان تحقیر و له کرد که سایر اشیاء - جرئت تکرار چنین عمل گستاخانه ای را نداشته باشند. از اینرو دستگاه اقتدار الهی، سنگسار را برای درهم شکستن اشیاء یاغی اختراع کرد و آنرا بعنوان یک وسیله مهم انتقام گیری از انسان آزاد و ارضای جنون حکومت های اسلامی، بکار برد.

در سالهای اخیر بزرگترین و گسترده ترین مبارزه تاریخ بشریت بر علیه اعدام و سنگسار در ایران جریان داشته است. بشریت متمدن امروز این پدیده بازمانده از ماقبل تاریخ را نمی تواند بپذیرد. بی آبرویی روزافزون رژیم را به فکر چاره جویی انداخت بطوری که به قول رئیس کمیسیون قضایی مجلس اسلامی این کمیسیون به این نتیجه رسید که: "برای رعایت مصلحت نظام، برخی حدود اسلامی از جمله سنگسار در قانون بیان نشوند." این "مصلحت نظام" چیزی پیدا کردن راه گریز از فشار افکار عمومی جهانی و انزوا بی آبرویی بیشتر در سطح بین المللی، نیست. اما سنگسار از اجزای جدایی ناپذیر و از میانی اصلی حکومت اسلامی است و حتی مجتهدی مانند حسینعلی منتظری که مرجع تقلید بسیاری از اصلاح طلبان رژیم است و از طرف خانم شیرین عبادی لقب "پدر حقوق بشر ایران" را دریافت کرده، با دقت تمام لزوم و شرایط صدور و اجرای احکام سنگسار را در رساله خود درج نموده است. این قانون را نمی توان حذف کرد و کنار گذاشت و حتی "مسکوت گذاشتن" این حکم احتیاج به فتوای چند تن از علمای اسلام دارد و فتوای مجتهدین حتی کسانی همچون "مکارم شیرازی" و موسوی اردبیلی مورد تکریم اصلاح طلبان نظام هستند، در این میانه معتبر می شود. چند آیت الهی که از آنها استفتاء شده، هر چند همگی معتقدند که "مجازات رجم قابل تغییر نیست"، اما بخاطر "شرایط فعلی" و در هراس از "بی احترامی به اسلام"، لطمه خوردن به "مصالح اسلام" و احمقانه تر از همه، "عدم آمادگی فکری مردم"، به "عدم اجرا" و یا "مسکوت گذاشتن" احکام اسلام رضایت می دهند.

مبارزه جهانی بر علیه سنگسار و اعدام نه تنها جمهوری اسلامی بلکه بسیاری از دولتها در کشورهای اسلام زده و دار و دسته های مسلح اسلامی را در مناطق تحت سلطه خود، تحت فشار گذاشته و موجب شده تا احکام سنگسار را متوقف کرده، از شیوه های دیگر قتل استفاده کرده و یا از اعلام رسمی و علنی اجرای احکام سنگسار خودداری نمایند. این حکومت ها و نیروها قادر به حل این تناقض نیستند؛ از سویی سنگسار و اعدام بخشی از فلسفه وجودی آنها است و کوتاه آمدن از این قوانین به معنی زوال بیشتر آنها می تواند باشد، از طرف دیگر با اعتراضات و ابراز انزجار جهانی روبرو هستند و دنیای متمدن تحمل پذیرش آنها را ندارد. این وضعیت لزوم افزایش اعتراضات و مبارزه بر علیه قوانین جنایتباری همچون سنگسار، اعدام و قصاص را بیش از پیش مطرح می کند. صدور هر کدام از این احکام باید با کيفرخواست جهانی پاسخ بگیرد. آمران و مجریان این احکام باید بعنوان جنایتکاران علیه بشریت معرفی شده، تحت تعقیب و مورد محاکمه قرار بگیرند. اما آنچه که بدون شك می تواند در مبارزه بر علیه سنگسار و اعدام نقش تعیین کننده داشته باشد، بسیج مردم جهان بر علیه جمهوری اسلامی است. همانطور که قدرت گیری این رژیم در گسترش احکام و قوانین سبعمانه اسلامی تاثیر مهمی داشت، سرنگونی آن هم می تواند در محدود شدن و از بین رفتن این قوانین تعیین کننده باشد. سنگسار ایدئولوژی جمهوری اسلامی است. به اقرار دست اندرکاران رژیم مسکوت گذاشتن سنگسار "بنا به مصلحت" و تحت فشار است. تا زمانی که جمهوری اسلامی باقی است خطر استفاده از حربه سنگسار همواره وجود دارد. تنها چیزی که می تواند مانع تکرار این جنایت فجیع شود حمایت هر بیشتر از جنبش سرنگونی طلبی، گسترش و تعمیق هر چه بیشتر اعتراضات، افشای جنایات مخفیانه و آشکار رژیم و منزوی ساختن هر چه بیشتر آن در نهاد های بین المللی است. با سرنگونی جمهوری اسلامی و کلا طرد جنبش اسلامی در سطح جهان است که میتوان اطمینان یافت که این جنایت وحشیانه نیز برای همیشه مدفون خواهد شد. *

گردهمایی، سخنرانی، گفت و شنود در یوتیوبی
ایران بعد از جمهوری اسلامی:

دو افق، دو آینده!

سخنرانان: مینا احدی، حسن صالحی،
اصغر کریمی



زمان: یکشنبه ۲۲ آوریل ساعت ۱۳:۰۰

مکان:

folket HUS järntoret

تلفن تماس:

0737178819

از شما دعوت میکنیم که در این گردهم آئی که فرصتی برای آشنایی با رهبری و سیاست های حزب است، شرکت نمایید. تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد

فراخوان تظاهرات ۱۴

آپریل

فعالین جنبش ۹۹ درصدیهای

ورتمبرگ و فدراسیون

پناهندگان ایرانی

پناهجویان فراخوان داده شده است. روز ۱۴ آوریل در دفاع از حق پناهندگی برای متحصنین شهر

ورتمبرگ و در اعتراض به وضعیت اسفناک پناهجویان در آلمان هم زمان در شهرهای نورنبرگ، مونیخ، برلین،

ورتمبرگ تظاهراتهایی برگزار خواهد شد.

اعلام می کنیم که ضمن حمایت از تحصن پناهجویان ایرانی در

ورتمبرگ، تمام سعی و تلاشمان را برای به ثمر رسیدن این مبارزه به کار

خواهیم گرفت. در هر شهر یا کشوری که میتوانید در دفاع از حق

پناهندگی به این مبارزه بپیوندد. در خارج از آلمان میتوانید در مقابل

سفارتخانه ها و کنسولگریهای آلمان دست به اعتراض زده واز حقوق این

پناهجویان دفاع کنید. همبستگی - فدراسیون سراسری

پناهندگان ایرانی - واحد آلمان ۲۰۱۲

شهناز مرتب، دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان

حسن حسین زاده، سخنگوی اعتراض پناهجویان ورتمبرگ

شهر آلمان در حمایت از اعتراضات



۱۳۹۱) حمایت کنند. این روزی است که از زن و مرد، از پیر و جوان باید علیه یک درصدی های ایران، علیه آخوند های میلیاردر و کل نظام اسلامی شان به میدان آمد. این روزی است که باید صفوف مان را زیر پرچم رهایی بخش اول ماه متحد کنیم؛ برای گرفتن قدرت سیاسی توسط ۹۹ درصدی ها در ایران و پایان دادن فوری فقر و فلاکت و خطر جنگ و ناامنی که اکنون زندگی مردم را به تباهی کشانده، و برای برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم آماده شویم. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۲ مارس ۲۰۱۲ - ۳ فروردین ۱۳۹۱

چیزی بپا خاسته که علیه اش بپا خاسته بودیم. کافی است قطعنامه های کارگران در ایران در اول ماه های سالهای گذشته را با فراخوان جنبش ۹۹ درصدی ها مقایسه کرد تا دید که ندای يك اول ماه عمومی و وسیع، يك اعتصاب جهانی علیه يك درصدی ها که از لس آنجلس و نیویورک شنیده میشود، از قلب طبقه کارگر در ایران و خزش خبر میدهد. طبقه کارگری که در سال گذشته اعتصابات و اعتراضات بیشماری علیه فقر و فلاکت برپا داشت و اکنون در اوضاع وخیم و اضطرابی ایران باید بعنوان يك نیروی سیاسی پیشتاز و رهبری کننده مبارزه مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی به میدان بیاید. حزب کمونیست کارگری تمام کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، تمام زنان و مردان سراسر ایران و ایرانیان ساکن خارج از کشور را فرا میخواند تا با تمام قدرت از فراخوان اعتصاب جهانی در اول ماه ۲۰۱۲ (۱۱ اردیبهشت

تونس و واضح تر از همه در اجتماعات عظیم مردم در "التحریر" مجدداً فریاد زده میشود و گوش سنگین تاریخ را باز میکند. ما، حزب کمونیست کارگری ایران، با تمام قوا به این فراخوان جهانی ۹۹ درصدی ها برای اول ماه ۲۰۱۲ پیوندیم. و این گامی است در تداوم مبارزات سی ساله کارگران در ایران. از رژه حدود ۵۰۰ هزار نفر در اول ماه ۱۳۵۸ در تهران تا به امروز جدال سخت و سنگینی بین جمهوری اسلامی و صف اول ماه و رهایی بشر در ایران در جریان بوده است. انقلاب ۵۷ گرچه توسط اسلامی ها بخون کشیده شد اما اوضاع يك درصدی ها در ایران را کاملاً آشفته کرد. بورژوازی اختیار خود را به مشت ملامی مرتجع و از گور برآمده و مشت شارلتان و جانی (که حالا بعضاً "اصلاح طلب" شده اند!) سپرد تا با شمشیر اسلام سر انسان و آزادی و اول ماه را ببرند. بیش از سی سال است که این جدال ادامه دارد و اکنون جهان علیه همان

بشریت معاصر نیز، اول ماه دیگری خواهد بود. اولین فراخوان چند ماه جلوتر از اول ماه از سوی جنبش ۹۹ درصدی ها در آمریکا اعلام شد. همانجا که روز جهانی کارگر تاریخاً از آن ریشه گرفت. "اعتصاب جهانی!" این است فراخوان امسال. شهروندان سراسر جهان! ۹۹ درصدی ها! کار را تعطیل کنید! به خیابان بیایید! تمام خواسته های خود را مطرح کنید. از دستمزد در خور زندگی و برابری جنسیتی گرفته تا حقوق پناهندگی. از حق تحصیل و مسکن و بیمه درمانی گرفته تا الغاء دولت پلیسی يك درصدی ها و برقراری حاکمیت مستقیم مجامع عمومی و ارگانهای قدرت مستقیم مردم. این در واقع ندای "کمون پاریس" و "یورش به عرش اعلا" و در اختیار گرفتن زندگی توسط خود مردم است که از نیویورک و اوکلند و لانگ بیچ شنیده میشود. ندایی که قبل از آن در تظاهرات های میلیونی "ندا های ایران، در تن سوخته "بوعزیزی" های

علیه جمهوری اسلامی، علیه فلاکت و تحریم اقتصادی، علیه تهدید جنگی، برای شادی و رفاه و آزادی، برای بدست گرفتن اختیار زندگی بپا خیزید! روز جهانی کارگر امسال (اول ماه ۲۰۱۲، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱) جهانی تر، رادیکالتر و نوید بخش تر از همیشه است. عجیب نیست. سال گذشته جهان شاهد انقلابات و جنبش های عظیم و تاریخی بود. ۹۹ درصدی های در بخش اعظم جهان به میدان آمدند و مسیر تاریخ قرن بیست و یک را تغییر دادند. در خاورمیانه و شمال آفریقا دیکتاتورها را به پایین کشیدند و در کشورهای غربی علیه حاکمیت يك درصدی ها و "وال استریت" اعلان جنگ دادند. بر دوره سیاه "نظم نوین جهانی"، یکه تازی "بازار آزاد"، "راست نوین" و "جنگ تروریستها" خط بطلان کشیدند. جهان بعد از سال ۲۰۱۱ جهان دیگری است. اول ماه، روز جهانی کارگر - این وجدان شریف

اطلاعیه ۲۷: فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان یک پیروزی دیگر برای متحصنین: دولت و مقامات محلی عقب نشستند! تحصن ادامه خواهد داشت!

دولتی در جریان مذاکره دادند قرار است طرف ۲ الی ۳ هفته از زمان ارسال پرونده های پناهجویان به این مرکز، پرونده ها بازگشایی شده و مورد رسیدگی قرار گیرد. در این کنفرانس پیرامون نحوه و چند و چون ادامه اعتراضات پناهجویان در روزهای آینده، توضیحاتی به خبرنگاران داده شد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان در همکاری تنگاتنگ با فعالین جنبش ۹۹ درصدیهای ورتسبورگ و با حمایت گسترده مردم این شهر، مصمم است اعتراض پناهجویان را تا رسیدن به خواستههای متحصنین ادامه بدهد.

توضیح است که در هفته های اخیر چادر متحصنین تبدیل به پاتوق سیاسی برای مردم شده و فضای فعال و زنده ای در اطراف چادر درمورد مسائل مختلف سیاسی شکل گرفته است.

امروز همچنین کنفرانس مطبوعاتی در محل چادر تحصن برگزار گردید. تعدادی از رسانه های آلمانی این کنفرانس را پوشش خبری دادند. شهناز مرتب دبیر فدراسیون در این کنفرانس اعلام کرد که پرونده های متحصنین تکمیل و توسط وکیل پناهجویان به اداره مرکزی خارجی دولت آلمان ارسال شده است. طبق قولی که مقامات

اوایل این هفته شهرداری ورتسبورگ با استناد به حکم دادگاه این شهر، که پناهجویان تا روز ۱۰ آوریل اجازه برپایی چادر دارند، قصد جمع کردن چادر و پایان دادن به تحصن پناهجویان را داشتند. این موضوع به دادگاه ارجاع شد و امروز دادگاه عالی استان بایرن نیز تحت فشار افکار عمومی به نفع ادامه تحصن و برپایی چادر متحصنین در ورتسبورگ رای داد.

بدین ترتیب بهانه های "حقوقی" شهرداری ورتسبورگ به جانی نرسید. چادر تحصن در روزهای آینده به نقطه دیگری نزدیک به محل کنونی منتقل خواهد شد. لازم به

نام دارند حساب
Manuel brandenstein
نام حساب بانکی
Sparkasse
Mainfranken Würzburg
شماره حساب:
47031729
کد پستی:
00 500 790

همبستگی - فدراسیون سراسری
پناهندگان ایرانی - واحد آلمان
۱۲ آوریل ۲۰۱۲
شهناز مرتب، دبیر فدراسیون
پناهندگان ایرانی در آلمان
Tel: 01577465018
حسن حسین زاده، سخنگوی
اعتراض پناهجویان ورتسبورگ
Tel: 17677009092

انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

صفحه بندی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!